

بیست مغلطہ اقتصادی

تیم وُرسٹال

مترجم: امیر حسین خالق



نشر امسارہ

©Nashre Amareh, MMXXII

www.ketab.ir

سرشناسه	: وُرسْتال، تيم Worstell, Tim
عنوان و نام پديدآور	: بيست مغلطه اقتصادي / تيم وُرسْتال؛ مترجم: اميرحسين خالقي.
مشخصات نشر	: تهران: آماره، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهري	: ۱۵۰ ص.
شابک	: 978-622-7326-36-9
وضعيت فهرست‌نويسي	: فيبا
يادداشت	: عنوان اصلي: 20 Economics Fallacies.
عنوان گسترده	: بيست مغلطه اقتصادي.
موضوع	: توسعه اقتصادي -- Economic development
موضوع	: اقتصاد -- Economics
شناسه افزوده	: خالقي، اميرحسين، ۱۳۵۹ - مترجم
رده‌بندي کنگره	: HD۷۵
رده‌بندي ديويي	: ۳۳۸/۹
شماره کتابشناسي ملي	: ۸۴۵۶۲۹۲



نشر آماره

عنوان کتاب: بیست مغلطه اقتصادی

Title: 20 economic fallacies

نویسنده: تیم وُرسِثال

by Tim Worstall

مترجم: امیرحسین خالقی

Translator: A.H. Khaleqi

شابک: ۹-۳۶-۷۳۲۶-۶۲۲-۹۷۸

ISBN: 978-622-7326-36-9

نوبت چاپ: اول تاریخ چاپ: ۱۴۰۰

The 1st Edition Published: 2022

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

Circulation: 500 impression

هرگونه کپی برداری، اسکن و میکروفیلم،
جراحی یا کلی بدون اجازه مکتوب ممنوع بوده
و پیگرد قانونی دارد

No portion of this book may be reproduced, by any process or technique, without the express written consent of the publisher

محتوای اصلی کتاب بازتاب اندیشه‌های
پدیدآورنده می‌باشد و مسئولیت درستی آن
به عهده‌ی ایشان می‌باشد

The views expressed in this book represent those of the individual Authors and Editors. These views do not necessarily reflect endorsement by the Publisher (Amareh Press)

© تمامی حقوق چاپ و نشر محفوظ است

© ALL RIGHTS RESERVED

دفتر مرکزی نشر آماره: تهران، میدان انقلاب، خیابان انقلاب، ابتدای خیابان دوازده فروردین،

پلاک ۳۱۶، واحد ۴ تلفن ۰۹۳۶۸۷۶۴۳۹۱

نماینده‌ی فروش در تهران: انتشارات گوتنبرگ تلفن ۰۶۶۴۱۳۹۹۸-۲۱

روبروی دانشگاه تهران، پلاک ۱۲۱۲

برای آگاهی از مراکز فروش و سایر اطلاعات به وبسایت نشر آماره مراجعه کنید:

www.nashreamareh.ir

قیمت: ۵۵ هزار تومان

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه نویسنده برای ترجمه فارسی تیم وُرستال
۹.....	مقدمه مترجم امیرحسین خالقی
۱۱.....	مقدمه فرهاد مقدم سلیمی
	فصل نخست: رشد نامحدود در یک سیستم محدود ممکن نیست..... ۱۴
	فصل دوم: درنسل پیش رو ذخایر معدنی ما تمام خواهند شد..... ۲۱
۲۹.....	فصل سوم: نظریه ارزش کار
	فصل چهارم: علم اقتصاد می تواند راه حلی برای مشکلات ما فراهم آورد..... ۳۴
۴۰.....	فصل پنجم: شرکت ها باید مالیات بیشتری بپردازند
	فصل ششم: فقط اگر صادرات زیاد داشته باشیم، دو تجارت موفق می شویم..... ۵۰
	فصل هفتم: دولت باید کالاها و خدماتی که عموم به آنها نیاز دارند را تامین کند..... ۵۶
	فصل هشتم: خطر تغییر اقلیم (گرمایش جهانی) یعنی باید با هر هزینه ای اجازه ندهیم درجه حرارت زمین بیش از ۲ درجه بالاتر رود..... ۶۴
	فصل نهم: جهانی سازی نئولیبرال فقط به سود ثروتمندان تمام شده و از این رونابرابری هم روبه افزایش است..... ۷۱
	فصل دهم: ایجاد شغل فایده انجام فعالیت های اقتصادی است..... ۷۷
	فصل یازدهم: کشورهای در حال توسعه باید از صنایع نوپای خود حمایت کنند..... ۸۲

مقدمه نویسنده برای ترجمه فارسی تیم وُرستال

اقتصاد را اغلب علم تخصیص منابع کمیاب تعریف می‌کنند. ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که مقدار خیلی از چیزها کمتر از آنی است که خواهان آن هستیم. غذا، زمین، مواد معدنی و نیروی کار انسان همه نمونه‌هایی از منابع کمیابی‌اند که می‌توانیم به کارشان بگیریم. هدف اقتصاد بنا بر این تعریف رایج، ارائه شیوه‌ها و راهکارهایی برای نظم‌بخشی به جهان است تا بیشترین بهره را از منابع محدود و پایان‌پذیر بگیریم؛ منابعی که هرچند پایان‌پذیر و محدودند مقدارشان به هیچ‌روانگی نیست.

چنین نگاهی البته نادرست نیست ولی اگر عمیق‌تر به موضوع بپردازیم ماجرا متفاوت خواهد بود. اینجا می‌توان گفت در واقع موضوع علم اقتصاد اینست که انسان‌ها چطور نسبت به کمیابی منابع واکنش نشان می‌دهند و چگونه با آن روبه‌رو می‌شوند. در این معنا اقتصاد کوچک‌ترین شباهتی به فیزیک یا شیمی ندارد. اگر ما انسان‌های خردمند (هوموساپینس‌ها) متفاوت از چیزی بودیم که الان هستیم، علم اقتصاد هم چیز متفاوتی از آب در می‌آمد. اما در مورد شیمی یا فیزیک حرف به کلی چیز دیگری است؛ در واقع اینکه ما درباره آنها چه فکر می‌کنیم یا چطور عمل می‌کنیم حتایک‌واورا هم در این دو علم تغییر نمی‌دهد.

حتا اجازه دهید ادعا کنیم کل موضوع علم اقتصاد چیزی جز خطاپذیری انسان‌ها نیست و البته خطاپذیری هم از آن چیزهایی است که کائنات در موردش برای ما کم نگذاشته است! از این‌رو

بررسی و نقادی اشتباه‌ها و خطاهای ما درباره رفتار انسان‌ها می‌تواند بسیار سودمند باشد. کتاب پیش رو نیز به همین بحث پرداخته است و البته تنها قدمی کوچک (یا بهتر بگوییم یک تاتی‌تاتی کودکانه) در این راه به حساب می‌آید. خیلی چیزها هست که مردم به آنها باور دارند ولی از نظر علم اقتصاد و با توجه به رفتار واقعی انسان‌ها نادرست‌اند. مغلطه هم اشاره به همین مواردی است که خیلی‌ها معتقدند مولای درز آنها نمی‌رود ولی در واقع چنین نیستند. اینجا بیست تا از این مغلطه‌ها را شرح داده‌ایم؛ مغلطه‌هایی که مردم به نادرست فکر می‌کنند توصیف رفتار انسان‌ها در شرایط کمیابی منابع است.

تاکنون علت اصلی فقر در دنیای مدرن چیزی جز ایده‌ها و سیاست‌های بد اقتصادی نبوده است. بنابراین طبیعی است که بگوییم بهترین کار پنجه‌به‌پنجه شدن و رویارویی با چنین ایده‌های نادرستی است؛ شما این طور فکر نمی‌کنید؟